

پلیس بهای تولید امنیت را با جانش می‌پردازد



سردار سعید ملانظرالمهدی معاون اجتماعی فرجا

برای شهدایپامن می‌نویسم، برای مظلومیت آنان، برای اشک کودکان و سوز دل خانواده‌هایشان، برای رشادت، شجاعت، صلابت و جوانمردی یکایکشان. یادمان باشد تأمین امنیت، هزینه سنگینی دارد و بهای آن را این روزها پلیس با جانش می‌پردازد.

بشار دیگر دو تن از نیروهای خوش خلق پلیس حین تردد در شهر در یک ترور کور و ناجوانمردانه توسط تروریست‌های ایران‌ستیز و اشرار مسلح در سیستان و بلوچستان جانشان را در طبع اخلاص گذاشتند که جایشان پر شدنی نیست.

وقتی صحبت از رسته‌های ناگسستگی مأموریت پلیس با روزمرگی‌های شهروندان به میان می‌آید، سخن گزافی نیست؛ پرکشیدن مأموران پلیس در مأموریت‌های درون‌شهری برای حفظ برقراری ایمنی شهروندان در تخریب سازه‌های نایمن در پایتخت مؤید آن است.

آن هنگام که به مظلومیت شهدای فرجا اشاره می‌شود، به‌واقع نمی‌دانی کفته پریشان‌حالیم برای کدامشان سنگین تر است؛ برای پیکر هم‌زمان کاربلد بی‌ادعایم که از زیر آوار بیرون آمد و کسی چه می‌داند زیر آوار ماندن و خاک را به جای هوا به ریه‌ها فرستاند چیست، همانند غواصان عزیزمان که به جای شنا در اوردرد با دست‌های بسته در خاک دفن شدند. غم کدامشان را به دوش دل بکشیم؛ آن همکار گران سنگمان در کلاتری که در هنگامه دستگیری منتهم سلاح به دست، خون داد تا خون شهروندی بر زمین نریزد یا آن مأمور متعهدی که جان فرزندان این مرز و بسوم برایش ارحبیت داشت و نخواست که گرفتار آفین اعتیاد شوند و در مقابله با قاچاقچیان موادمخدر جانش را در طبق اخلاص گذاشت و هبه این سرزمین کرد و پس آن مرزبان باغیتری که جان می‌دهد، ولی خاک نمی‌دهد، یا عوامل گشت درون‌شهری که مورد حمله مسلحانه قرار گرفتند و یا آن گشت پلیس راهور که در جاده مورد پرسش قرار می‌گیرد و راهنمایی می‌کند، اما در پاسخ به‌جای تشکر، آماج گلوله و سرسب‌های داغ قرار می‌گیرد. آن مأمور چک و خنتی بمب که قیچی بر رسته جان خویش می‌زند یا برای سرباز خوش‌عیرتی که آموخته دفاع از وطن و هموطنانش عین همجاری با ایزد است یا دیگر همکاران شهیدم.

بی‌شک تعدد و گستره مأموریت‌های مخاطره‌آمیز شهانه‌روزی پلیس، کشف هزاران تن مواد و اقلام ممنوعه، پنجه در پنجه بدطبقینان و مختلان نظم و امنیت انداختن و در نهایت تولید امنیت، بهایی دارد و این روزها عزیزانم در فرجا با جان گرانقدرشان این بهار را می‌پردازند.

فرجای مقتدر و مظلوم ترکیب عجیبی است؛ فرجا جان همان

پلیس مظلوم ایران ما که آماج حملات مفرضان و برخی از دوست‌نماهاست، آری امنیت به خودی خود ایجاد نمی‌شود و همگان می‌بایست برای تأمین و ارتقای آن تلاش کنند و حامی و قدردان تلاشگران عرصه امنیت باشند.

پاس می‌داری هم‌زمان تمام همه گرامیان را در سازمان بزرگ

پلیس و کلاه از سر برمی‌داریم و تمام‌قد به احترامشان می‌ایستیم. یقیناً بهشت و همجاری با سالار شهیدان جایگاه شهدای متعهد و مظلوممان می‌باشد.

یادشان گرامی و ارشان پررهور باد



اعلان شهادت ۲ مأمور پلیس تحت تعقیب قرار دارند

تلاش‌های پلیس سیستان و بلوچستان برای بازداشت عاملان شهادت دو مأمور پلیس در شهرستان تفتان همچنان در جریان است.

صبح روز چهارشنبه ۱۵ شهریورماه بود که حادثه تیراندازی به مأموران انتظامی شهرستان تفتان اسیستان و بلوچستان اتفاق افتاد. بررسی‌ها در این باره نشان داد در جریان تیراندازی تروپست‌ها، سرهنگ محمد میرشکار رئیس اداره پشتیبانی و سرباز وظیفه رضافسفری در شهادت شهیدانند. سردار دوستعلی جلیلیان، فرمانده انتظامی اسیستان سیستان و بلوچستان گفت: تحقیقات تیم‌های تخصصی پلیس برای بازداشت عاملان حادثه در جریان است.

حوادث

سرویس حوادث ۶۰۰۲۰۶۸۵۲۳

سرقتهای سریالی بازیگران آماتور

به شیوه سریال آکتور

البته بعد خودمان به نقش هایی که باز می‌کردیم، می‌خندیدیم و دوست داشتیم مالباخته‌ها هم وقتی تصویر ما را دیدند، بخندند.

به بازیگری علاقه داری؟

من عاشق بازیگری بودم و دوست داشتم وقتی بزرگ‌شدم مثل هنرپیشه‌های هالیوودی بدرخشم و نامم سر زبان‌ها بیفتد. به همین دلیل از دوران نوجوانی همراه دایی‌ام در کلاس‌های هنرپیشگی شرکت کردم و آموزش دیدم. پیشرفتمان خیلی خوب بود، به طوری که وارد بازیگری تئاتر شدیم. چند تئاتر مهم روی صحنه بازی کردیم. برای پیشرفت کارمان همیشه سریال و فیلم می‌دیدیم، مخصوصاً سریال‌های که هنرپیشه‌های معروف بازی می‌کردند، اما فکر نمی‌کردیم روزی نقش واقعی سارق را بازی کنیم.

چه شد که سارق شدید؟

همه بدبختی ما بر می‌گردد به میهمانی‌های شبانه‌ای که با دوستان ناباب داشتیم. دوستانمان وقتی فهمیدند ماتئاتر بازی می‌کنیم میهمانی‌های شبانه برگزار و ما را دعوت می‌کردند و ما هم در آن میهمانی‌ها جوگیر و معناد شدیم. پس از این، از هنر فاصله گرفتیم و برای تأمین هزینه اعتیادمان شروع به سرقت کردیم.

درباره سرقته‌ها توضیح بده؟

ما ابتدا از بستگان نزدیک خودمان شروع کردیم و در نهایت در سرقت از خانه یکی از بستگانمان شناسایی شدیم. مثلاً از خانه پدر بزرگم که پولدار بود هفت مرتبه سرقت کردیم. هر بار هم گرمه‌مان را تغییر می‌دادیم تا شناسایی نشویم. سرقت از فامیل‌ها به دلیل اینکه محل نگهداری طلاها و پول‌های آنها را می‌دانستیم، راحت‌تر بود. در ادامه هم از خانه همسایه‌ها سرقت می‌کردیم.

در این مدت موردی پیش نیامد که گرم شما را به جرم شناسایی کند؟

یکبار برای ما در دسر ساز شد و به جرم قتل بازداشت شدیم. اما نقش بازی کردیم و خدا به ما رحم کرد و پس از شش ماه آزاد شدیم.

چرا به جرم قتل؟

ما به شهرمان در غرب کشور رفته‌بودیم و برای سرقتی گرم کرده‌بودیم، اما اخیر نداشتم گرم مرا شبیه قاتل فراری کرده‌است. چند روز قبل در مهمی محلی که برای سرقت برسه می‌زدیم، درگیری اتفاق افتاده‌بود و مرد جوانی مرتکب قتل شده و فرار کرده‌بود. از بدشناسی گرم مرا شبیه کرده‌بود که مأموران پلیس مرا به عنوان قاتل و دایی‌ام را به اتهام دستنشدن در قتل بازداشت کردند. به آنها گفتم ما بازیگر تئاتر هستیم و برای تمرین گرم کرده‌بودیم، اما شش ماه طول کشید که ازاد شدیم.



و بازیگری تئاتر فعالیت داشته‌اند تا اینکه معناد به موادمخدر می‌شوند و پس از آن از هنر فاصله کردند. از نسوی دیگر در این مدت سارقان از خانه چند نفر از دوستان و بستگانم نیز سرقت کرده‌بودند و من احتمال دادم آنها برای با سرم گرم به خانه‌ام دستبرد می‌زنند و برای اینکه آنها را شناسایی کنم در خانه‌ام دوربین مداربسته مخفی نصب کردم. چند روز قبل به مسافرت رفتم و امروز وقتی به خانه‌ام برگشتم متوجه سرقت وسایل خنادم شدم. بلافاصله فیلم دوربین را بررسی کردم و دیدم سارقان داخل خانه ماسک خود را برداشته‌اند، اما چهره‌شان به دلیل گرم‌شان شناخته نمی‌شد تا اینکه در صحنه‌ای وقتی یکی از سارقان آستین لباسش را بالا زد، متوجه گریم خود را تغییر می‌دهند تا شناسایی نشوند و ردی از خود به جای نگذارند.

خالکوبی عقب
در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد و مأموران هم ردی از سارقان پیدا نکرده‌بودند، مردی به اداره پلیس رفت و سارقان گرمیو را به مأموران پلیس معرفی کرد. وی گفت: «در مدت کوتاهی دو بار سارقانی به خانه‌ام دستبرد زدند. بار اول آنها تمامی طلاها و پول‌های خارجی‌ام را

سرقت کردند، اما بار دوم سارقان وسایل گرانیقیمت و آنتیک و حتی خوراکی‌های یخچال را سرقت کردند. از نسوی دیگر در این مدت سارقان از مأموران با شکایت‌های مشابهی روبه‌رو شدند که سارقان به همان شیوه و با در اختیار داشتن کلید یدک یا شاه کلید وارد خانه‌ها شده و اموال قیمتی، دریاقتند تمامی مالیاتخته‌فامیل یا دوستان صمیمی و نزدیک هم هستند که سارقان به خانه‌های آنها دستبرد زده‌اند.

از سوی دیگر در بررسی دوربین‌های مداربسته مشخص شد سارقان دو مرد هستند و هر بار با گریمی خاص شبیه هنرپیشه‌ها و کم‌دین‌های مشهور به سرقت می‌روند و در سرقت‌بعدی نیز گرم خود را تغییر می‌دهند تا شناسایی نشوند و ردی از خود به جای نگذارند.

خالکوبی عقب
در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد و مأموران هم ردی از سارقان پیدا نکرده‌بودند، مردی به اداره پلیس رفت و سارقان گرمیو را به مأموران پلیس معرفی کرد. وی گفت: «در مدت کوتاهی دو بار سارقانی به خانه‌ام دستبرد زدند. بار اول آنها تمامی طلاها و پول‌های خارجی‌ام را

فرار از خانه شوهر برای زندگی در ترکیه

۳۰۰ میلیون تومان به او بدهم، ابتدا باور نکردم، اما او عکس همسر و دخترم را در فضای مجازی برابم فرستاد و تهدید کرد اگر به پلیس خبر بدهم بلایی سر آنها می‌آورد.»

عشق قدیمی

بدین ترتیب مادر مأموران پلیس با کمک شاکلی یا مرد گردگانگی برای دریافت پول قرار صوری گذاشتند و توانستند وی را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌ها مدعی شد از نسوی یکی از دوستانش به نام جابر اجیر شده تا ساک پر از پول را بگیرد و به او تحویل بدهد. سپس مأموران، جابر را بازداشت کردند و هفت ۳۰ ساله هم در بازجویی‌ها از آدم‌ربایی ساختگی برای فرار به ترکیه پرده برداشت.

جابر گفت: «همسر مرد گمشده عشق قدیمی من بود و چند سال قبل به خواستگار بش رفتم، اما خانواده‌اش مخالفت کردند و موفق به ازدواج با هم نشدم. مدتی قبل به صورت اتفاقی در اینستاگرام با او ارتباط برقرار کردم. او به من گفت همسرش مرد بد اخلاقی است و او را تک می‌زند و طلاقش هم نمی‌دهد. از آنجایی که عاشق او بودم، پیشنهاد دادم همراه دخترش از خانه فرار کند و بعد با طراحی نقشه آدم‌ربایی ساختگی از شوهرش اخذی کنیم و برای زندگی به کشور ترکیه برویم. او فرار کرد و من هم خانه‌ای برایش اجاره کردم، اما نقشه ما ناکام ماند.» با اعتراف متهم، مأموران زن جوان را هم بازداشت کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

زن جوان پس از آشنایی در اینستاگرام با خواستگار

قبلی‌اش تصمیم گرفتند برای زندگی به ترکیه

فرار کنند که با هوشیاری پلیس ناکام ماندند.

اوایل شهریورماه امسال مردی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از می‌شدن ناگهانی همسر و دختر چهارساله‌اش شکایت کرد.

وی در توضیح حادثه گفت: «چند ساعت قبل همسرم همراه دختر چهار ساله‌ام به نام پری برای خرید از خانه بیرون رفتند و دیگر برنگشتند.

نگران‌شان شدم و همه خیابان‌ها را گشتم، اما خبری از آنها نیافتم. از بستگان و دوستان هم کمک خواستم و حتی به مراکز درمانی سر زدم، اما ردی از دختر و همسرم پیدا نکردم.»

گروگانگیری

با شکایت مرد جوان، پرنده برای رسیدگی به دستور باز پرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

در حالی که چند روزی از حادثه گذشته بود و مأموران ردی از زن جوان و دختر خردسالش پیدا نکرده بودند، شاکلی دوباره به اداره پلیس رفت و اعلام کرد همسر و دخترش از سوی مردی آگهی در دو نوبت در روزنامه به فاصله ۱۵ روز از بزرگ یکی از روزنامه

وی گفت: «سامتی قبل مردی با شماره تلفن بین‌المللی با من تماس گرفت و ادعا کرد همسر و دخترم را گروگان گرفته است و باید برای آزادی آنها

قاتل پیرزن: طلاهای سرقتی‌ام را از دیدند!

نمود، برای همین احتمال می‌دهم او قربانی یک حادثه جنایی شده‌باشد. بعد از مطرح‌شدن شکایت، مأموران پلیس آگاهی در این‌باره تحقیق کردند.

مأموران پلیس در جریان تحقیقات میدانی به یکی از بستگان پیرزن که در مراسم خاکسپاری هم حضور داشت، مظنون شدند و او را بازداشت کردند. او در جریان بازجویی‌های فنی به قتل اعتراف کرد و گفت: مقتول همیشه با خودش طلا همراه داشت، برای همین نوسه شدم متهمان را سرقت کردم. در آنجا که با او سوسه فامیلی داشتم، برای میهمانی به خانه‌اش رفتم. او هم به گرمی از من پذیرایی کرد. بعد در فرصت مناسبی او را خفه کردم و جسدش را روی تخت گذاشتم تا به نظر برسد در خواب فوت شده‌است. پس از آن طلاهایش را برای فروش به مالخری که از دوستانم بود، رساندم، اما او بعد از گرفتن طلاها فرار کرد. من هم دست از پا دراز تر به مراسم خاکسپاری رفتم که بازداشت شدم. با اطلاعاتی که متهمان در اختیار پلیس گذاشت، مالخر هم شناسایی و طلاهای سرقتی کشف و به خانواده مقتول تحویل داده‌شد. بررسی‌های بیشتر از متهمان جریان دارد.

مناقصه عمومی

تعاونی مسکن کارکنان سپاه امام علی بن ابیطالب (ع) در قم – شهرک قدس – انته‌های بلوار ولیعصر شرقی

– شهرک مسکونی شهید سلیمانی – ساختمان

شهید سجودی قسمت امور قرار دادها

۳۰: جهت پروژه اقدام ملی مسکن واقع در

پردیسان قم را از طریق مناقصه عمومی تهیه

نماید. لذا از کلیه متقاضیان واجدالشرايط

دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد

مناقصه به آدرس زیر مراجعه نمایند:

مناقصه عمومی

تعاونی مسکن کارکنان سپاه امام علی بن ابیطالب (ع) در قم – شهرک قدس – انته‌های بلوار ولیعصر شرقی

– شهرک مسکونی شهید سلیمانی – ساختمان

شهید سجودی قسمت امور قرار دادها

۳۰: جهت پروژه اقدام ملی مسکن واقع در

پردیسان قم را از طریق مناقصه عمومی تهیه

نماید. لذا از کلیه متقاضیان واجدالشرايط

دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد

مناقصه به آدرس زیر مراجعه نمایند:

شاهه آگهی: ۱۵۲۹۶۷۲

رییس اداره ثبت اسنادواملاک منطقه دو گرگان

حجت اله تجری

رییس اداره ثبت اسنادواملاک منطقه دو گرگان

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

م‌الف: ۲۲۵۱

شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ | ۲۳ صفر ۱۴۴۵

۱۴ یادداشت